



علی دایی که این روزها درگیر ماجرای پول های کمکی به زلزله زدگان است دیروز هم پس از بازی با پرسپولیس به گوش یک خبرنگار سیلی زد

دایی دایی وقت جنگه

عکاس: سعید زارعیان / فریادنگاران

دیروز در مجلس، رئیس جمهور، وزرای پیشنهادی و نمایندگان موافق و مخالف بیشتر از مسئولان، نقدینگی را عامل شرایط اقتصادی می دانستند

روز استیضاح نقدینگی

خبر آخر: هر چهار وزیر پیشنهادی رای اعتماد گرفتند؛ رحمانی (صمت) ۲۰۳ رای، دژپسند (اقتصاد) ۲۰۰ رای شریعتمداری (کار) ۱۹۶ رای و اسلامی (راه) ۱۵۱ رای

صفحه ۳ را بخوانید

ه سیاست نجات بخش دانشگاه های روسیه

روسیه چگونه پس از وقایع سیاسی دهه ۹۰ دانشگاه های خود را ارتقا داد

۲۰۰

«فرهنگنگان» بزرگ ترین نمایش خیابانی این روزها را بررسی می کند

رسول ترک تئاتر شد

۱۲۰۰

تورم سفره واقعی مردم چقدر است؟

نرخ تورم رسمی اعلام شده با تایی از همه واقعیت های سفره خانوارهای ایرانی نیست، به طوری که در یک سال اخیر قیمت برخی از اقلام مصرفی خانوار بین ۶۶ الی ۸۲ درصد افزایش داشته است

۱۸۰۰

یادداشت

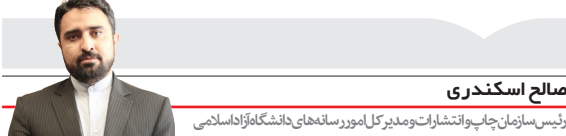
سر مقاله

دانشگاه آزاد اسلامی رقیب یا مکمل دانشگاه های دولتی

دریافت هزینه های آموزشی از دانشجویان، عملاً رقیب نهادهای آموزش عالی آزاد یا خصوصی باشند. گایگر، تحلیل دقیقی را براساس تحلیل و طبقه بندی فعالیت های آموزش عالی در دو بخش دولتی و خصوصی ارائه کرده است که برای جامعه امروز ایران، ناشناخته نیست. وی ابراز می کند آنجا که آموزش عالی دولتی از حیث قلمرو و گزینش محدود می شود، بخش های خصوصی به عنوان موسساتی برای پاسخگویی به تقاضای اجتماعی گام پیش می نهند. به این ترتیب بخش عمومی شکل می گیرد و معمولاً اکثر پذیرفته شدگان را در آموزش عالی کشور دربرمی گیرد و آنجا که موسسات آموزشی دولتی و خصوصی دارای موقعیت و نقش مساوی هستند، هر دو بخش به موازات یکدیگر در حرکتند. در جایی که دولت، برتری بخش دولتی را در برآوردن نقش های اصلی آموزش عالی برمی گزیند، سهم موسسات خصوصی به ایفای نقش های حاشیه ای محدود می شود و در جایی که دولت به ناچار آموزش عالی را به بخش کوچکی از کل تقاضا محدود می کند، وظیفه اصلی بخش عمومی به فراهم کردن آموزش عالی برای پاسخگویی به تقاضای عمومی مازاد مربوط می شود که ممکن است بخشی به مراتب بزرگ تر از تقاضای قابل پاسخگویی بخش دولتی باشد. همچنین در جایی که گروه بندی های فرهنگی در جامعه، برای تاسیس موسسات آموزشی هم عرض و جدا گانه تحت نظارت خود نفوذی بیابند، بخش عمومی از نظر فرهنگی، سنت های متفاوتی را شکل خواهد داد و سرانجام در جایی که دولت تلاش می کند تا نقش فراهم کننده اصلی را داشته باشد، بخش هایی برای نهادهای آموزش عالی عمومی به جای می ماند که می تواند در خدمت آن اقلیت هایی قرار گیرد که تقاضی و طرفدار شکل های کاربردی تر و مرتبط تر آموزش عالی با بازار باشد.

تغییرات رخ داده، خصوصاً در شرایط تبدیل از وضعیت مزیت دسترسی به منابع طبیعی به مزیت بهره مندی از نیروی انسانی مبتکر، خلاق و متخصص، زمینه سازی برای پاسخگویی به نیازهای آموزش، ضرورتی اجتناب ناپذیر در مسیر دستیابی به این مزیت جدید است. با توجه به اینکه نهادهای آموزش عالی عمومی، تدارک دهنده نیروی انسانی است، بررسی تقاضای اجتماعی برای این خدمت، نقطه اتکای مهم در فرآیند سیاستگذاری راهبردی این نوع از نهادهاست. بدیهی است که توسعه انسانی بر توسعه ملی تاثیر مستقیم می گذارد و از این رو، سهم نهادهای آموزش عالی عمومی در توسعه ملی، جدی تر، کاربردی تر و مرتبط تر بر برنامه های توسعه ملی کشورهاست.

دانشگاه آزاد اسلامی، به عنوان نهاد آموزش عالی عمومی، علاوه بر برخورداری از مزیت های نسبی گسترده در مقایسه با دانشگاه های دولتی کشور، از نظر سطح و نوع پاسخگویی به تقاضای آموزش عالی نیز شرایط ویژه ای دارد. از این منظر، دانشگاه آزاد اسلامی را نباید به عنوان رقیب دانشگاه های دولتی در نظر گرفت؛ بلکه این دانشگاه، بخش مکمل با قابلیت و ظرفیت عظیم پاسخگویی به تقاضاهایی است که بخش دولتی یا به ناچار (به دلیل محدودیت منابع) یا به اختیار (به دلیل عدم اولویت تقاضاها)، در برابر آن پاسخگو نیست. این تقاضاها، ماهیتاً پیشران های اقتصادی و میثاقاً مرتبط با توسعه کسب و کارهایی است که به دلیل برخورداری از ماهیت خصوصی و فردی تقاضاها، نه نهادهای آموزش عالی دولتی برای تحقق آنها اشتیاق نشان می دهند و نه بدنه های وابسته تعریف شده ای مانند مراکز رشد در دانشگاه های دولتی، چندان در مهار و هدایت آن توانمندی عملی نشان داده اند. این حوزه، همان نقطه اتکا و قابلیت منحصر به فرد دانشگاه آزاد اسلامی در گرزدن قابلیت خود با توسعه ملی است.



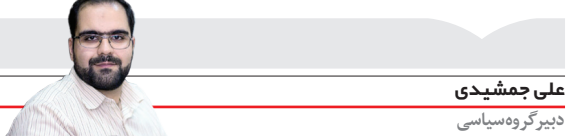
مالح اسکندری

رئیس سازمان چاپ و انتشارات و مدیر کل امور رسانه های دانشگاه آزاد اسلامی

آموزش عالی مانند هر کالا یا خدمت دیگری متقاضیانی دارد که سازوکار حاکم بر تقاضاهای آنها براساس الگوهای قابل تشخیص، تحلیل و مدیریت شکل می گیرد. اگرچه به نظر می رسد تقاضای عمومی برای آموزش عالی حاصل از جمعیت تقاضاهای فردی باشد، اما از نقطه نظر جامعه شناختی و علوم اقتصادی، تقاضای افراد، یک رفتار جمعی و اغلب هدایت شده است که از عوامل مختلفی تاثیر می گیرد. افزایش تقاضا برای دسترسی به آموزش عالی و تنوع سفارش ها برای تربیت فارغ التحصیلان در رشته های جدید و اشتیاق عمومی برای ورود به مطالعات بین رشته ای که واکنشی در پاسخ به نیازهای جدید بازار کار است، باید به عنوان یک موضوع راهبردی جدی در توسعه فعالیت دانشگاه های عمومی مانند دانشگاه آزاد اسلامی و حتی بقای این نهادها در شرایط رقابت شدید مطرح باشد.

روند رشد دانشجو در تمامی نقاط جهان، الگوی خطی رو به رشد تقاضا را نسبت به دهه های گذشته اثبات می کند. درحال حاضر به طور متوسط در جهان، تقاضای آموزش عالی نسبت به دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ دو برابر شده است. درک دلایل این رشد کم سابقه، نخستین نقطه عزیمت نهادهای آموزش عالی عمومی برای بقا، رقابت و کارآمدی است. در بین متغیرهای متعدد، افزایش رفاه عمومی و رشد طبقه متوسط جدید، تقاضای گسترده زنان برای ورود به آموزش عالی و تغییر در ماهیت دانشگاه از نهادهای متمرکز بر موضوعات شناختی، به نهاد آموزش مهارت های مرتبط با بازار کار، سه علت اساسی تر و فراگیرتر است. ظهور دانشگاه هایی با عناوین «عمومی»، «نیمه دولتی» یا «خصوصی» به دلیل ناتوانی دولت ها در پاسخ به نیاز بازار و افزایش انفجاری طبقه متوسط رخ داد. تمایز بین بخش دولتی و خصوصی، برای نخستین بار در قرن نوزدهم در ایالات متحده آمریکا شکل گرفت. دولت ایالات متحده، دانشگاه های ایالتی جدیدی را تاسیس و از نظر مالی تأمین کرد که مشخصاً با موسسات قدیمی تفاوت داشتند. مفهوم دولتی در کشورهای مختلف ممکن است تعریفی کاملاً متفاوت داشته باشد. در بسیاری از کشورهای جهان، مفهوم غیردولتی بودن در اشاره به بالاتر بودن استانداردها و در نتیجه کیفیت بهتر آموزشی به کار می رود. مدرسه عالی اقتصاد لندن و مدرسه عالی علوم سیاسی پاریس که هر دو در ساختار مدیریتی خصوصی اداره می شوند، با برتری کیفیت آموزشی و قرار داشتن در بالاترین سطح نظام های رتبه بندی جهانی آموزش عالی (در حوزه های تخصصی خود) شناخته می شوند.

امروزه به دلیل روابط در هم تنیده بخش دولتی و خصوصی در حوزه آموزش عالی، به سختی می توان معتقد به دانشگاه کاملاً خصوصی یا کاملاً دولتی بود. از نظر ساختاری، ممکن است نهادهایی که از بودجه دولتی برخوردار هستند، از طریق هیات رئیسه یا هیات امنای غیردولتی اداره شوند یا موسساتی که از بخش خصوصی تأمین مالی می شوند، تحت مقررات و قوانین دولتی از استقلال ضروری نیز برخوردار نباشند. از نظر درآمدی، همان طور که در نهادهای آموزش عالی به اصطلاح دولتی در ایران نیز شاهد هستیم، دانشگاه ها با تعریف بدنه های وابسته یا خدمات جانبی جدید، نسبت به تعریف شهری و



علی جمشیدی

دبیر گروه سیاسی

به صراحت باید گفت لوائح مربوط به FATF یکی از عجیب ترین و طولانی ترین فرآیندها را در مسیر قانونگذاری در کشور طی کرده اند. فرآیندی که سوال های مهم و اساسی مقابل آنها وجود دارد. به جز اصلاح قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم که مدت ها قبل از مسیر مجلس و شورای نگهبان گذشت و با تبدیل شدن به قانون از سوی رئیس جمهور، ابلاغ و به عبارتی ختم به خیر شد، سه لایحه باقی مانده همچنان میان مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام دست به دست می شوند و دست آخر هم معلوم نیست که چه سرنوشتی در انتظارشان است، تصویب و تبدیل به قانون می شوند یا از فرآیند قانونگذاری کنار می روند. اگر تصویب می شوند چه کسی تصمیم نهایی را خواهد گرفت و اگر به کلی قرار است کنار گذاشته شوند چه کسی مجری آن خواهد بود؟

لایحه اول، لایحه الحاق دولت ایران به کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی (پارمو) و دومی، لایحه اصلاحات قانون داخلی مبارزه با تأمین مالی تروریسم است، لوائحی که سه شنبه سوم مهرماه در مجلس بررسی و با تصویب نمایندگان به شورای نگهبان ارسال شدند. این فرآیند البته به هیچ عنوان اولین مرتبه نبود که طی می شد، چرا که این لوائح پیش از این نیز تجربه حضور در شورای نگهبان را داشتند و هر بار با مغایرت هایی از جمله تفاوت عجیب و غریب متن ترجمه شده با متن اصلی بین المللی، مواجه شده و برای اصلاح به مجلس بازگردانده شده اند. این بار اما گمان این می رفت که با توجه به حمایت مجلس و شخص علی لاریجانی، این دو لایحه بدون مشکل جدی در شورای نگهبان تصویب شوند، اما بازم این اتفاق رخ نداد و هر دوی این لوائح به مجلس بازگردانده شدند با این تفاوت که این بار موضوع ایرادات شورای نگهبان نبود. عباسعلی کدخدایی ۱۸ مهرماه یعنی حدود دو هفته بعد از تصمیم مجلس، در گفت و گویی از رفع ایرادات این شورا به لوائح «پارمو» و «اصلاح قانون مبارزه با پولشویی» خبر داد و گفت: «ایرادات مجمع تشخیص هنوز باقی است، لذا این دو لایحه به مجلس بازگشت، اما ماجرای ایرادات مجمع چیست؟ استدلال سخنگوی شورای نگهبان عطف به این ماجرا بود که هیات عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام در موارد جدا گانه ای با ارسال دو نامه به امضای آیت الله شاهرودی، برای لایحه پیوستن ایران به کنوانسیون پارمو در ۱۷ و ۲۰ تیرماه گذشته و یک نامه در تاریخ چهارم شهریورماه برای لایحه اصلاح قانون مبارزه با پولشویی، نسبت به مغایرت این دو لایحه دولت با سیاست های کلی نظام از جمله سیاست های امنیتی و همچنین سیاست های اقتصادی مقاومتی اعلام نظر کرد و حالا شورای نگهبان با توجه به اینکه قبلاً هر سه مورد مغایرت یافته را به مجلس شورای اسلامی ارسال کرده ولی مجلس هیچ کدام از این نامه ها را مورد توجه و بررسی قرار نداده است، مجبور شده لوائح پارمو و پولشویی را دوباره به مجلس شورای اسلامی عودت دهد.

این فرآیند عجیب و رفت و برگشت البته بیش از این کش در هم شده است، چرا که در هفته گذشته علی لاریجانی با تفسیری که از قانون دارد بدون اینکه این ایرادات شورای نگهبان را وارد بداند، اعلام کرد مجلس بر تصمیم قبلی خود اصرار داد، لذا این دو لایحه را پیش از گرفتن نظر نمایندگان و کمیسیون های مربوطه به مجمع

تشخیص مصلحت نظام فرستاد تا آنها تصمیم نهایی را اخذ کنند. این اقدام البته مورد نقد نمایندگان بود چرا که آنها تفسیر متفاوتی از اقدام شورای نگهبان داشتند و می گفتند طبق اصل ۱۱۲ ایرادات هیات عالی نظارت مجمع که از سوی شورا به دست مجلس رسیده ایرادات جدید شورای نگهبان است و باید دوباره در مجلس بررسی شود.

لایحه سوم اما مربوط به الحاق ایران به کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم است که در جلسه علنی ۱۵ مهرماه مجلس و با ۱۴۳ رای نمایندگان تصویب شد؛ این لایحه هم سرنوشت عجیب و غریبی برای خود دارد. این لایحه تنها لایحه ای بود که به جای کمیسیون حقوقی قضایی به کمیسیون امنیت ملی رفت، درگیری های فراوانی برسر آن بود و ناگهان به دلیل عدم حصول نتیجه لازم در جریان مذاکرات ایران و اروپا برای دو ماه مسکوت گذاشته شد. بعد از پایان مدت دو ماه تعیین شده، با وجود اینکه همچنان مذاکرات ایران و اروپا نتیجه خاصی در پی نداشت، این قانون در مجلس به جریان افتاد و با وجود اینکه نیازی به اصلاح نداشت در روزهای بعد و بار دیگر از سوی هیات رئیسه به کمیسیون فرستاده شد و کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی هم عیناً آن را به هیات رئیسه ارسال کرد. بعد از طی این فرآیندها نهایتاً لایحه در صحن علنی به رای نمایندگان گذاشته و با تصویب آنها به شورای نگهبان ارسال شد. اما با وجود اینکه بیش از دو هفته از ارسال این لایحه گذشته و حداقل دوبار، اعضا و سخنگوی شورا اعلام کرده اند که قرار است در دستور کار جلسات قرار گیرد، هر بار بیان شده که این لایحه به دستور کار نرسیده و همچنان در صف بررسی شورای نگهبان است و بررسی نشده؛ این اتفاق البته در شرایطی است که ۲۵ مهرماه سخنگوی شورای نگهبان از حضور معاون اول رئیس جمهور به همراه وزیر امور خارجه و رئیس بانک مرکزی در جلسه شورای نگهبان خبر داد و با وجود اینکه گمان می رفت این لایحه پس از این حضور و البته برگزاری نشست علمی «گفته ها و ناکفته های FATF» با حضور کدخدایی، علی نجفی توانا رئیس اسبق قانون وکلای دادگستری و امیر ساعد وکیل در قانون وکلای دادگستری مرکز، بررسی و نظر نهایی شورا در مورد آن اعلام شود، کدخدایی گفت که شورای نگهبان در جلسات بعدی به استماع نظر دیگر کارشناسان خواهد پرداخت.

در سطور بالا تنها تلاش شد بخشی از فرآیند طی شده در جریان لوائح FAFT آن هم تنها در یک ماه اخیر بیان و پیچیدگی عجیب و غریب آنها روایت شود. اینکه در مجلس شورای اسلامی هر تصمیمی که گرفته می شود زیر سایه شبهه قانونی برخی نمایندگان است یا اینکه چرا شورای نگهبان تصویب یک لایحه بررسی شده را درگیر فرآیندهای طولانی می کند یا چندین و چند سوال دیگر که همگی در خصوص عدم اتخاذ تصمیمی واحد و نهایی درخصوص این لوائح هستند، نشان می دهد که ظاهراً هیچ کدام از این نهادهای درگیر، بنا ندارند تمامی هزینه تصویب یا رد این لوائح را به جان بخرند، چرا که درگیر شدن در این فرآیند پیچیده و طولانی توجیه منطقی و قابل توجهی ندارد چنانکه در برخی موارد مشاهده شده که اگر بنا به اقدام باشد، مسیرهای ساده تر نیز وجود دارد. در این میان نمی توان منکر پیچیدگی لوائح مربوط به یک نهاد بین دولتی و بسپار پیچیده مثل FATF شد و لزوم تمرکز و بررسی کارشناسی در مورد آن را نادیده گرفت اما اینکه یک قانون بعد از بررسی های چندین ماهه همچنان سرگردان است، نشان می دهد آنچه بر سر لوائحی چون برجام رفته مسئولان را نگران کرده است و حالا آنها بیشتر از قبل نگران نتیجه اجتماعی-سیاسی تصمیم های خود هستند. اتفاقی که نتیجه مثبت یا منفی آن در آینده ای نه چندان دور مشخص خواهد شد، هر چند فقدان یک رویه متقن و قابل اعتماد امروز در این حوزه ملموس و قابل مشاهده است.